

Research Article

***Jurisprudential Pathology of Male Circumcision in Iran Focusing
on Children's Rights and the Right to the Body***

kameel Ahmady¹

Received: 2022/12/12

Accepted: 2023/03/16

Abstract

Circumcision is one of the most important and common events in the childhood of boys and an ancient ritual in some societies of the world today, especially Iran, which is still prevalent despite the violation of various aspects of children's rights; however, adequate scientific knowledge has not been produced regarding this phenomenon and its problematic dimensions and obvious and hidden consequences. In traditional societies, performing the operation on a child's private part is done with a special ritual with the aim of reducing the child's anxiety about entering adulthood, but in contemporary society, every person under the age of 18 is considered a child, and any change in his or her body without the child's own intervention and permission and holding circumcision ceremonies is not only a violation of the child's rights, but also has an anti-educational nature. This article pursues two main goals: first, to analyze the cultural and religious dimensions of the issue of male circumcision in Iranian society, and then to objectively understand this issue with a view to children's rights and the right to the body to help formulate effective programs and policies to reduce and eliminate its negative consequences and outcomes. For this purpose, apart from documentary and library studies and using field research with a qualitative approach, the experiences of the participants were evaluated based on targeted interviews among a number of circumcised Iranians living inside and outside the country, as well as interviews with some experts and scientific experts. As the field evidence and available historical documents show, the role of religion in the continuation of the practice of circumcision has been decisive, so that throughout history there have always been people who perform this practice without having a specific and clear reason for it other than following religious orders. An institutionalized belief derived from religion and culture about the positive results of circumcision leads some individuals and social groups to accept the possible complications of circumcision and perform this procedure based on medical advice and reasons. Although medical justifications are mainly published in society by individuals with scientific qualifications and through specific channels such as scientific and research articles, these reports are mainly the subject of advertisements that attempt to conceal the commercial goals of centers such as specialized circumcision clinics. This reflects the relationship between medicine and the economic mafia of advertising and discourses that dominate the cultural/religious industries, and confirms that medical discourse is influenced by ideological structures of power and, in collaboration and interaction with them, regulates its functions and enters into the health sector to legitimize part of it and encourages the trust of social minds to accept this procedure as a natural and necessary procedure and not a social construct.

Keywords: *Delay in the implementation of contractual obligations, moral damages, Iranian law, and Islamic jurisprudence.*

¹- Research Methodology Specialization: Master's Degree in Social Anthropology, University of Kent - England

آسیب شناسی فقهی ختنه پسران در ایران با محوریت حقوق کودک و حق بر بدن کامیل احمدی^۲

چکیده

عمل ختنه یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین اتفاقات دوره کودکی پسران و آئینی با قدمت کهن در برخی از جوامع دنیای امروز بویژه ایران است که علیرغم نقض وجوه مختلف حقوق کودک، همچنان رواج دارد؛ با وجود این دانش علمی متناسبی در ارتباط با این پدیده و ابعاد مسئله آمیز و پیامدهای پیدا و پنهان آن تولید نشده است. در جوامع سنتی انجام عمل در عضو خصوصی بدن کودک همراه با آئینی خاص با هدف کاهش اضطراب کودک برای ورود به مرحله بزرگسالی انجام می‌شود ولی در جامعه معاصر هر فرد زیر 18 سال کودک محسوب می‌شود و هرگونه تغییر در اندام او بدون دخالت و اجازه خود کودک و برگزاری مراسم ختنه‌سوران نه تنها تجاوز به حقوق کودک است بلکه ماهیت ضد آموزشی نیز دارد. در این مقاله دو هدف اصلی دنبال شده است: ابتدا واکاوی ابعاد فرهنگی و مذهبی مسئله ختنه پسران در جامعه ایران و سپس شناخت عینی این مسئله با نگاهی به حقوق کودک و حق بر بدن برای کمک به تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های موثر در کاهش و رفع تبعات و پیامدهای منفی آن. برای این منظور جدای از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از پژوهش میدانی با رویکرد کیفی به ارزیابی تجربیات مشارکت‌کنندگان بر اساس مصاحبه هدفمند در میان تعدادی از ایرانیان ختنه شده ساکن داخل و خارج از کشور و نیز مصاحبه با برخی متخصصین و صاحب‌نظران علمی پرداخته شد. آنگونه که شواهد میدانی و اسناد تاریخی موجود نشان می‌دهند نقش دین در تداوم عمل ختنه تعیین‌کننده بوده است به طوری که در طول تاریخ همواره افرادی بوده و هستند که این عمل را انجام می‌دهند بی آنکه جز پیروی از دستورات دینی، دلیل مشخص و روشنی درباره آن داشته باشند. باور نهادینه شده‌ای برگرفته از دین و فرهنگ، درباره نتایج مثبت ختنه، برخی افراد و گروه‌های اجتماعی را به آنجا می‌رساند که ضمن پذیرش عوارض احتمالی ختنه، این اقدام را بنا بر توصیه و دلایل پزشکی انجام می‌دهند. توجیهات پزشکی اگر چه عمدتاً از سوی افراد صاحب صلاحیت علمی و از مجاری مشخصی همچون مقالات علمی و پژوهشی در جامعه منتشر می‌شوند اما این گزارش‌ها عمدتاً دست مایه تبلیغاتی می‌شود که سعی در پنهان‌سازی اهداف تجاری مراکزی چون کلینیک‌های تخصصی ختنه دارند. این امر نمایانگر رابطه پزشکی با مافیای اقتصادی تبلیغات و گفتمان‌های مسلط بر صنایع فرهنگی / مذهبی است و موید آن است که گفتمان پزشکی از ساختارهای ایدئولوژیکی قدرت متأثر بوده و در همدستی و تعامل با آن کارکردهای خود را تنظیم کرده و برای مشروعیت بخشی از حوزه سلامت وارد شده و اعتماد اذهان اجتماعی را جهت پذیرش این عمل به مثابه یک عمل طبیعی و ضروری و نه برساخته‌ی اجتماعی، ترغیب می‌کند.

واژگان کلیدی: ختنه پسران، حق بر بدن، حقوق کودک، آسیب شناسی فرهنگی، جامعه ایران.

^۲ - تخصص روش تحقیق و کارشناسی ارشد مردم شناسی اجتماعی، دانشگاه کنت - انگلستان.

عمل ختنه آئینی با قدمت کهن است که علیرغم نقض وجوه مختلف حقوق انسانی، امروزه همچنان رواج دارد از این روی موضوع درخوری برای مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و حقوق است. در کارهای مطالعاتی و پژوهش‌های خود همواره کوشیده‌ام درک درست تری از آداب، اهمیت رسوم و فرهنگ را ارائه داده و در عین حال صدای بی‌واسطه گروه هدف، موافقان و مخالفان پدیده‌های اجتماعی و سنت‌های آسیب‌زا باشم و راهکارهای منطبق بر وضعیت حال و قابل اجرا با تاکید بر بسترسازی فرهنگی را هم ارائه دهم؛ بنابراین، این تحقیق بر آن نیست که عمل ختنه را رد یا تایید کند، بلکه در صدد است که در کنار بررسی برخی جوانب موضوعی که تابو بوده و مورد توجه قرار نگرفته راهکارهای اجرایی ارائه دهد که در وفاق با حقوق کودکان و مبانی فقهی حقوق اسلامی حق آدمی بر بدنش باشد تا گامی موثر در بهبود وضعیت این گروه اجتماعی باشد. طرح این مساله شاید بتواند سرآغازی برای انجام کارهای تحقیقی جدید و عینی در این عرصه باشد و باعث شود افراد دیگری در حوزه‌های تخصصی خود از جمله پزشکی، حقوق، روانشناسی، جامعه‌شناسی، دین و... موضوع را مورد سوال، کنکاش و تحقیق قرار داده و در چارچوب علمی و تخصصی خود به مذاقه بیشتری بگذارند.

۲- طرح مساله

ختنه یکی از مهمترین و شایع‌ترین اتفاقات دوره کودکی پسران در بخش مهمی از جوامع دنیای امروز است. با وجود این دانش علمی درخور و متناسبی در ارتباط با این پدیده و ابعاد مسئله آمیز آن وجود ندارد. پیامدهای پنهان ختنه مساله‌ای است که با وجود اهمیت بسیار، کمتر مورد توجه قرار گرفته و یا اصلاً به آن پرداخته نمی‌شود. گستردگی این موضوع و پذیرش بی‌چون و چرای آن در برخی جوامع اسلامی و یهودی و گاه مسیحی این ابهام را ایجاد می‌کند که چرا این پدیده تاکنون استمرار یافته و چرایی آن مورد سوال قرار نمی‌گیرد؟

پدیده ختنه به عنوان عملی که بر روی بدن انسان اعمال می‌شود در حوزه بررسی‌های حقوق فردی و مالکیت "حق بر بدن" قرار می‌گیرد که تاکنون چندان مورد استقبال هسته‌های پژوهشی قرار نگرفته است. این کم‌اقبالی شاید بیشتر از هر چیز متأثر از ماهیت مذهبی ختنه در ایران و تبدیل شدن آن به موضوعی هویتی برای مردان این سرزمین بوده است. در چنین شرایطی ختنه، از منظر اجتماعی، نه امری نابهنجار و پروبلماتیک که امری طبیعی و بهنجار تلقی می‌شود و پر بیراه نیست که شرایط تبدیل شدن به مسئله‌ای اجتماعی را نیز نیافته و چندان توجه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان و حقوق دانان را به خود جلب نکرده است. علاوه بر این باید توجه داشت که با روی کار آمدن حکومت دینی در ایران، پروبلماتیک کردن این موضوع می‌تواند جامعه‌شناسان را در موقعیت منتقد اجتماعی حاکمیت اسلامی قرار داده و بالطبع باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای آنان شود.

ختنه دارای پیامدها و تبعات زیستی، فرهنگی، اجتماعی، روانی، حقوقی و... بر انسانهایی است که حال و آینده جوامع بشری در گرو زیست سالم، بهنجار و عادلانه آنهاست. کودکان حدود یک سوم جمعیت جوامعی نظیر

ایران را به خود اختصاص داده اند و هر گونه کم توجهی به مشکلات آنها به معنای درگیر کردن کل جامعه در این مشکلات است. پژوهش‌هایی از این دست تلاشی هستند برای شناخت علمی تر مسئله و مقدمات لازمی فراهم می کنند برای هر گونه اقدام، برنامه ریزی و سیاستگذاری اجتماعی در این حوزه. علاوه بر این نهادهای مسئول همچون وزارت بهداشت و جامعه پزشکان، موظف هستند اطلاعات کامل و به روز دنیا را درباره ختنه منتشر کنند و از حالت تبلیغ و ترویج یکسویه این کار خارج شده و دیدگاه‌های مختلف جهانی و نقدهایی که بر این عمل وارد شده را در اختیار عموم مردم قرار دهند. در این مسیر تعیین پروتکل‌های موضوعی و دستورالعمل‌های جامع برای انجام هرگونه عملی بر کودکان از جمله ختنه با در نظر گرفتن همه جنبه‌های حقوقی، بهداشتی و پزشکی و سلامتی، اجباری است به گونه‌ای که درباره انجام هر عمل، حقوق کودک نیز مورد توجه قرار بگیرد. شوربختانه به نظر می رسد که انجام چنین وظایفی به کلی از دستور کار سازمانهای مذکور در کشور خارج شده و تنها با انجام پژوهش‌هایی از این دست می توان تا حدودی به پر کردن چنین خلاء‌هایی همت گماشت.

در مقایسه با ایران، تلاش‌های قابل ملاحظه‌ای در سطوح جهانی و منطقه‌ای در خصوص آگاهی بخشی به مردم طی دهه اخیر صورت گرفته است. شمار فراوانی از عاملان ختنه اکنون به شدت به مخالفت با آن برخاسته اند در نتیجه در بسیاری از کشورها سنت ختنه رو به کاهش نهاده است. یک عامل اثرگذار در این روند باز بودن این جوامع در بحث ختنه و آزادی شان در گستره رسانه‌ای، چاپ مطالب و رسانه‌های الکترونیکی بوده که به کاهش این امر در تمامی نواحی تحت پوشش انجامیده است. با این حال، تغییر اصلی در درون این جوامع با مداخلات دولتی و حمایت سازمان‌های غیر دولتی در همکاری با این آژانس‌ها صورت گرفته است.

این مقاله دو هدف اصلی را دنبال می کند: هدف نخست بیان ابعاد فرهنگی و مذهبی مسئله ختنه پسران در جوامعی نظیر ایران است. این پدیده را اگرچه می توان پدیده‌ای دینی تعریف کرد که اغلب ریشه در باورهای دو دین سامی یعنی یهودیت و اسلام دارد اما پاره‌ای توجیهات بهداشتی باعث شده تا دامنه شمول آن مرزهای دینی را پشت سر گذاشته و برخی جوامع دیگر را نیز در بر گیرد. برخی آمارها نشان می دهند که در حدود ۹۰ کشور دنیا عمل ختنه روی حداقل ۳۰ درصد پسران انجام می شود (موریس و همکاران، ۲۰۱۶) که بسیاری از آنها مسلمان یا یهودی هم به شمار نمی روند. این آمارها اگرچه نشان دهنده اهمیت این عمل در جوامع مختلف هست ولی به هیچ عنوان به معنای درستی یا مفید بودن آن نمی باشد. ختنه پسران علی رغم شیوع گسترده دارای مخالفان بسیاری نیز است که از آن میان می توان به رویکرد فعالان حقوق کودک مبنی بر نادیده گرفتن حقوق کودکان و حق آدمی بر بدن خود، اثرات سوء روانی و پاره‌ای تبعات پزشکی این عمل اشاره کرد. هدف دوم شناخت

علمی و عینی مسئله ختنه پسران و کمک به تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های موثر برای رفع تبعات و پیامدهای منفی آن در جامعه ایران است. برای این منظور با نگاهی به حقوق کودک و حق بر بدن؛ به بررسی دلایل فرهنگی استمرار ختنه و ارزیابی تجربیات مشارکت‌کنندگان در این زمینه که با روش کیفی و بهره‌گیری از

مطالعه میدانی بر اساس مصاحبه هدفمند در میان تعدادی از ایرانیان ختنه شده ساکن داخل و خارج از کشور و نیز مصاحبه با برخی متخصصین و صاحب نظران علمی انجام شده؛ پرداخته می شود.

۳- پرسش های پژوهش

در این پژوهش رسیدن به اهداف در قالب تلاش برای پاسخ به چند سوال دنبال شده است که عبارتند از:

۱. ریشه های فرهنگی ختنه مردان در ایران چیست؟
۲. حقوق کودک و حق بر بدن در انجام عمل ختنه پسران چه جایگاهی دارد؟
۳. تجربیات مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل چه ابعاد و ویژگی هایی است؟
۴. برای کاهش آسیبهای بدنی و روانی و ابعاد مسئله آمیز ختنه چه پیشنهادهایی می توان ارائه داد؟

۴- ریشه های فرهنگی ختنه پسران در ایران

حدود پانزده هزار سال از قدمت ختنه می گذرد. این عمل یکی از قدیمی ترین اعمال جراحی است که روی کودکان انجام می شده است. کاوشگران این عمل را در اجساد مومیائی شده متعلق به مصریان باستان به اثبات رسانده اند. در کتب مذهبی پیروان ادیان اسلام و یهود اشارات و توصیه هایی به این امر شده است. همچنین این عمل از سالیان دور در میان عده ای از سیاهان آفریقا و اقوام استرالیائی و بعضی اقوام دیگر (بدون وابستگی مذهبی) رایج بوده است و تاکنون نیز در بخش های مختلفی از جهان استمرار یافته است. یکی از فرضیه های مطرح شده درباره چگونگی گسترش عمل ختنه و اشاعه آن در دیگر نقاط جغرافیایی را می توان از خلال نبردها و کشورگشایی تمدن های کهن و تلاش برای اشاعه فرهنگ غالب و در برخی دیگر تأییراتی که جامعه مغلوب بر پیروزمندان جنگ می گذاشته است؛ جستجو کرد. مصر نیز به عنوان محل تلاقی سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا همواره مورد نزاع کشورگشایان بزرگ بوده است. نقل است در سال ۵۲۵ قبل از میلاد، کمبوجیه پسر کوروش، با لشکرکشی به «مفیس» پایتخت مصر، این کشور را به قلمرو هخامنشی ضمیمه کرد، سپس بر آن شد تا بین مصر و ایران اتحاد برقرار کند از همین رو طبق سنن و مراسم این کشور تاج گذاری کرد. پس از کمبوجیه جانشین او داریوش اول و سپس خشایارشا برنامه گسترش دولت هخامنشی را ادامه دادند و داریوش به تأسی از کوروش، مصریان را در زندگی خصوصی و مذهبی آزاد گذارد. تسلط ایرانیان بر مصر به مدت ۲۰۳ سال ادامه داشت و مدارک و کاوش های باستان شناسی، حکایت از هم نشینی مسالمت آمیز و مراودات انسانی دو تمدن ایران و مصر در عصر هخامنشی دارد که اگر جز این بود حکومت آنان تا این اندازه دوام نمی یافت. دو کشور ایران و مصر طی ارتباط قریب به دو قرن خود نه تنها مشترکات فرهنگی گسترده ای یافته و زبان مشترکی بین تمدن های ایران و مصر ایجاد شد بلکه علم طب را که در مصر باستان بسیار پیشرفت کرده بود، از مصریان فراگرفتند (نصیری، ۱۳۸۵). به حکم ظاهر و روایات تاریخ، قدیمی ترین سند پزشکی، مربوط به کتیبه ای است که بر روی خشت و به خط میخی، حک شده و از دره های

بین‌النهرین به دست آمده است و به نظر باستان شناسان قدمت آن به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد (اصلائی، ۱۳۹۷).

در متون، اسناد و آثار باستانی ایران نشانه‌ای مبنی بر اینکه زنان و مردان ختنه شده باشند وجود ندارد. در اوستا و دیگر متون پهلوی ایران دوران باستان نیز اشاره‌ای به ختنه یا هرگونه عمل دیگری همچون ناقص‌سازی یا بریدن آلت جنسی نشده است. بنابراین از شواهد موجود چنین پیداست که پیش از ظهور اسلام، ختنه در ایران انجام نمی‌شده است و سنت ختنه زنان و ختنه مردان با ورود اسلام به ایران رواج پیدا کرد. حتی در برخی منابع تاریخی چنین آمده که در اوایل ورود دین اسلام به ایران برخی ایرانی‌ها که اسلام آورده بودند، ختنه نمی‌کردند. برای نمونه افشین، سردار ایرانی در دربار مأمون و المعتصم ختنه نشده بود. أحمد بن ابی دؤاد نقل کرده که افشین به خاطر نگرانی از اثرات منفی ختنه بر سلامتی‌اش، خود را ختنه نمی‌کرد (توحیدی، ۱۹۶۴). هم‌اکنون درصد قابل توجهی از مردان ختنه شده در جهان، علاوه بر پیروان دیگر ادیانی همچون یهودیت، مسلمانان هستند به طوری که آمار نشان داده در کشورهای مثل ایران که دین رسمی، اسلام است بیش از ۹۹ درصد مردان ختنه شده‌اند. با وجود ابهاماتی پیرامون ختنه در دین اسلام به سبب عدم وجود دستور مستقیم قرآن، مسلمانان همچنان با جدیت به انجام عمل ختنه مبادرت می‌ورزند و سهم ختنه در میان آن‌ها در صدر قرار دارد، چنانچه برطبق برآوردها نزدیک به ۶۹ درصد مردان ختنه شده در جهان، مسلمان هستند (موریس و همکاران، ۲۰۱۶).

علاوه بر باورهای دینی اسلامی که به‌عنوان عامل اصلی، نقشی اساسی در رواج عمل ختنه در ایران دارد، نباید ویژگی‌های جغرافیایی و منطقه و روابط بین‌المللی را در این موضوع نادیده گرفت. ایران در منطقه خاورمیانه قرار دارد و در تمام طول تاریخ همواره با مصر که منزلگاه اصلی ختنه بوده، روابط دیرینه داشته است. بنابراین این سه عامل یعنی منطقه جغرافیایی، ارتباط با مصر و دین اسلام باعث شده عمل ختنه در ادوار مختلف تاریخ ایران رواج داشته باشد به طوری که به‌گواه آخرین تخمین‌های موجود (موریس و همکاران، ۲۰۱۶) ۹۹.۷ درصد مردان ایرانی ختنه شده‌اند. علاوه بر این بحث ختنه در ایران در کلیت خود در کنار ختنه دختران و زنان مطرح بوده و درک آن بدون توجه به مسئله ختنه زنان بسیار دشوار خواهد بود.

با کنکاشی در کتب تاریخی می‌توان به اهمیت ختنه مردان در فرهنگ ایرانیان پی برد، جایی که مختونگی به‌عنوان عاملی مهم در بدل گشتن به یک مرد مسلمان کامل مطرح می‌شود. از همین جهت اهمیت ختنه مرد مسلمان و به روایتی مرد مسلمان ایرانی در ازدواج‌های ایرانیان انکارناپذیر است. با نگاهی به استفتائات انجام شده در خواهیم یافت که گرچه ازدواج زن مسلمان با مرد مسلمان ختنه نشده تنها مورد وثوق همگان بوده و از سوی همه مذاهب اسلامی، مورد تأیید است اما زنان و خانواده‌های مسلمان ایرانی بر مختون بودن همسر خود تأکید به‌سزایی داشته و دارند.

در کتاب «گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران: پشت پرده‌های حرم‌سرا» درباره ختنه یکی از نوجوانان درباری آمده است:

«امروز ختنه‌سوران عزیزالسلطان (ملیجک دوم) است و تفصیل از این قرار است. این پسر ۱۷ الی ۱۸ سال دارد. از شدت مرحمتی که شاه نسبت به او داشتند تا به حال ختنه نشده و هر وقت هم پدر و مادرش عجز می‌کردند که پسر ما باید آخر مسلمان باشد و ختنه نکرده از ملت حنیف محسوب نیست، می‌فرمودند امپراتور روس که ختنه نکرده مگر پادشاه مملکت روس نیست؟! تا در این اواخر عزیزالسلطان عریضه‌ای به شاه نوشته بودند که اگر من داماد شما هستم پس چرا دختر خودتان اخترالدوله را به من نمی‌دهید؟ قرار شد که در ماه ربیع‌الاول عروسی بکنند. صغرا خانم مادر دختر پیغام داده بود اگر می‌خواهی داماد من بشوی اول باید ختنه بکنی. حب جاه و میل به دختر واداشت عزیزالسلطان را که تمکین به ختنه کند.» (آزاد، ۱۳۷۷).

سبانی نقش حقوق اسلامی

التزام به انجام دستورات دینی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نخستین و مهم‌ترین انگیزه و دلیل استمرار عمل ختنه در ایران بوده است. با توجه به ورود دین اسلام به ایران و سرعت گسترش آن درهم تنیدگی جامعه ایرانی با اصول و باورهای اسلامی بطور چشمگیری سرعت گرفت. از همین روی آشنایی با این پدیده و بایدها و نبایدهای آن در دین اسلام درک برخی از رخدادهای تاریخی را تسهیل می‌کند.

از بررسی احادیث و روایات موجود و نیز استفتائاتی که از مراجع شده چنین برمی‌آید که پیروان شیعه و سنی دین اسلام با استناد به دو آیه ۱۲۳ سوره نحل و آیه ۱۶۱ سوره انعام، پیروی از سنت‌های ابراهیم را که ختنه نیز یکی از آنهاست، واجب می‌دانند اما چنین به نظر می‌رسد که دستورات دینی اسلام درباره ختنه به نقل از احادیث و احکام فقهی شکل گرفته‌اند که آنها نیز ریشه در سبک زندگی و سنت‌های رایج یهودیان مدینه در زمان پیامبر اسلام دارد. برای فهم بیشتر این موضوع باید موقعیت مکانی و زمانی پیامبر را در صدر اسلام واکاوی کرد. قوانین اسلامی در آن زمان متشکل از دو نوع «تاسیسی- انشایی» و «امضایی- تأییدی» بودند. قوانین تاسیسی، قوانینی هستند که پیامبر اسلام بر اساس آیات احکامی قرآن آنها را تاسیس کرده و لازم‌الاجرا هستند. اما در مقابل آن قوانین امضایی قرار دارند که پیش از پیامبر نیز وجود داشته‌اند و او پس از انجام اصلاحات، تغییرات و تحولاتی، آنها را تأیید کرده است. تقریباً تمام احکام شرعی اسلام حتی نماز و روزه و حج و بسیاری از قوانین کیفری مربوط به زنان در سنت پیش از اسلام و اعراب حجاز وجود داشته است. اسلام در این موارد تغییرات و تحولاتی ایجاد کرد، بعضی‌ها را رد کرد و بعضی دیگر را کامل و یا با اصلاحیه‌ها و تبصره‌هایی تأیید کرد (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۷) و ختنه نیز در ردیف قوانین امضایی اسلام است.

از آنجا که سنت ختنه دارای کارکرد های مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، تاریخی و پزشکی و بهداشتی در فرایند تاریخ ایران است از منظر درهم تنیدگی ساختاری و نهادی نیز حائز اهمیت است. در توضیح کارکردهای اجتماعی ختنه پذیرش دینی و قومی، هویت بخشی جنسیتی به مردان و پدرسالاری و منافع مردان مطرح است و در کارکردهای اقتصادی، ختنه گری به مثابه یک شغل و تخصص با دلایل تجاری استمرار می‌یابد.

یکی از مباحثی که می‌تواند به بررسی نقش ختنه در زندگی ایرانیان یاری رساند، «اقتصاد هویت» است. به باور برخی از اقتصاددانان، اقتصاد علم انتخاب است و یکی از موضوعاتی که بر انتخاب‌ها یا رجحان‌های ما

تأثیرگذار است، باورهایی است که در ما درونی شده‌اند. رجحان‌ها از هنجارها به دست می‌آیند که ما آن‌ها را به‌عنوان قواعد اجتماعی در باب اینکه افراد چگونه باید در موقعیت‌های مختلف رفتار کنند؛ تعریف می‌کنیم. (اکرلاف، ۱۳۹۵). تاکید بر ضرورت انجام مناسک و پیروی از الگوهای مذهبی از قدرت زیادی برخوردار است تا آنجا که برخی افراد را به این باور می‌رساند که هیچ راه دیگری جز رفتن به راه گذشتگان ندارند حتی اگر مجبور باشند درد و رنج ناشی از آن را به جان بخرند. نبود اطلاعات کافی و جامع در این زمینه و یکسویه بودن آنها درباره عمل ختنه، استیلای فرهنگ، سنت و دین از جمله دلایل مهم استمرار عمل ختنه در جوامعی مثل ایران است. اما در کنار همه این موارد نباید نقش فشارهای اجتماعی بر تداوم این عمل نادیده را گرفت؛ در جامعه‌ای که ختنه نشدن به مثابه خروج از دین محسوب شده و ننگ تلقی می‌شود و پسر بچه‌های ختنه نشده مورد تمسخر قرار می‌گیرند، والدین حتی اگر به چرایی این موضوع اندیشیده باشند، باز هم ممکن است برای گریز از این فشار اجتماعی اقدام به عمل ختنه فرزند خود کنند. قدر مسلم این است که سود سرشار حاصل از تجارت ختنه در صنعت پزشکی سبب اغماض از برخی صدمات و عوارض احتمالی عمل ختنه از سوی برخی پزشکان شده است. به‌خصوص اینکه در قوانین و مقررات دولتی ایران در راستای تأیید این عمل جایی باز شده و مجوزهای لازم نیز صادر می‌شود و مهر تأیید سازمان‌های دولتی بر این عمل از کلینیک‌های مجهز برای عمل ختنه گرفته تا تجهیزاتی که روز به‌روز پیشرفته‌تر می‌شود را می‌توان دید.

آنچه در این میانه مایه تاسف است تعرض به حقوق کودکان و حق آن‌ها بر بدن و سلامتی‌شان است. دست بردن به خصوصی‌ترین عضو بدن کودک آن هم در دوران نوزادی و بی‌قدرتی آن‌ها که نه‌تنها قادر به تصمیم‌گیری نیستند بلکه هیچ درکی نیز از این عمل ندارند سبب برانگیختن انتقادات بسیاری شده است. نباید از یاد برد که مفهوم کودکی در جوامع مختلف تعاریف متفاوتی دارد، تعاریفی که با وجود تفاوت‌ها از یک وجه اشتراک نیز برخوردار است و آن فقدان بلوغ در ابعاد مختلف و عدم آشنایی کودک با حقوقش است. حس تملک نسبت به کودکان و اینکه کودک به هر روی متعلق به والدین خویش است از دلایل اصلی بی‌توجهی و کم‌توجهی به حقوق کودکان پنداشته می‌شود. این بی‌توجهی یا کم‌توجهی می‌تواند طیف وسیعی از رخدادهای تحمیلی بر کودکان را شامل شود که در حادثه‌ترین موارد مانند خشونت علیه کودکان و گاه ختنه دختران منع قانونی داشته و جرم انگاری شده‌اند. نباید از این امر غافل شد که آسیب‌های جسمی و روحی که ممکن است به‌واسطه بی‌توجهی یا کم‌توجهی والدین یا جامعه بر کودک تحمیل شود تنها گریبانگیر کودک نبوده و در بلندمدت می‌تواند گروه‌ها و نهادهایی مانند دوستان، خانواده، مدرسه و ... که فرد به عضویت آن‌ها درخواهد آمد را نیز متاثر ساخته و چه‌بسا پیامدهای منفی را نیز در پی داشته باشد.

ریشه‌های عمیق انجام عمل ختنه در تاریخ و مذهب با وجود آنکه در قرآن نیز آمده که ما انسان را بدون نقص آفریدیم، استیلای فرهنگ و سنت، تجارت ختنه در صنعت و مافیای پزشکی، مراسم ختنه‌سوران و عوایدی که از برگزاری این جشن حاصل می‌شود، تاکیدات مذهبی و خلأهای قانونی از جمله مواردی است که سد راه هرگونه تغییر و اصلاح در این زمینه می‌شود.

۵- زمینه‌های فرهنگی تداوم عمل ختنه بر حسب داده‌های میدان پژوهش

بررسی دلایل تداوم عمل ختنه در نقاط مختلف جهان، حکایت از آن دارد که در میان برخی اقوام سنت‌های بومی، در برخی نقاط جغرافیایی دستورات دینی و در برخی کشورها توصیه‌های پزشکی و در بسیاری موارد ترکیبی از هر سه مولفه به‌عنوان زمینه‌های تاثیر گذار در استمرار و گسترش این عمل تا به امروز به شمار می‌رود. این موارد نمایانگر تسلط گفتمان پزشکی، سنتی و دینی بر پدیده ختنه و ابژه کردن آن از طریق هر یک از این گفتمان‌هاست. مشروعیت بخشی عمل ختنه و ارتباط آن با ساختارها و سازوکارهای قدرت از طریق این گفتمان‌ها محل تامل است.

۱-۵- زمینه‌های قومی؛ سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی

درباره رواج ختنه در جوامعی که سنت‌ها و هنجارها اهمیت بسیار دارند دکتر مهدی فیضی، اقتصاددان و مترجم کتاب «اقتصاد هویت» می‌گوید:

گاهی شما با جامعه‌ای مواجهه هستید که مثلاً همچون جوامع شرقی در معنای کلی و کشورهای خاورمیانه در معنای خاص به دلایل خیلی گسترده تاریخی دچار تنوع و دسته‌بندی‌های اجتماعی هستند مثلاً قومیت‌ها؛ شما این حجم چگالی قومیتی را که مثلاً در افغانستان و ایران و یا مثلاً در میان بعضی قبایل آفریقایی می‌بینید، در خیلی از کشورهای دیگر نمی‌بینید. بنابراین باید بپذیریم در بعضی جوامع این تنوع و واریانس، بیشتر هست. هر دسته یک هویتی دارد و انگار این چهل تکه‌گی هویتی، این پراکندگی هویتی و یا تنازع‌های هویتی وقتی جدی می‌شود که هر کسی هم تلاش می‌کند هویت خودش را بلدتر کند.

آمار مردان ختنه شده در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد سنت‌ها در برخی جوامع چند هویتی اهمیت بسیار دارند و در برخی دیگر این‌گونه نیست که مردم در آداب و رسوم گذشته غرق شده باشند به‌عنوان مثال می‌توان به کشور کانادا اشاره کرد که با وجود گستردگی هویتی، تنها ۳۱.۹ درصد از مردان این کشور مختون شده‌اند. تحلیل دکتر مهدی فیضی در این خصوص بر تفاوت‌های موجود میان جوامع شرقی و جوامع غربی تاکید می‌کند و می‌گوید:

آنچه در شرق وجود دارد، تاریخی، زمانمند و تکاملی است و آنچه در غرب وجود دارد نوظهور است و این دو را نمی‌توان با هم مقایسه کرد. زمین تا آسمان با هم فرق می‌کنند. در غرب یک جور پوسته‌ای از **multi-culturality** هست ولی فقط یک پوسته است و وقتی در بطن آن بروید، خواهید دید که اتفاقاً خیلی هم همگون است ولی در شرق اصلاً این شکلی نیست شما مثلاً توی جامعه کانادا اصلاً هویت جنسیتی را جدی نمی‌گیرید درحالی‌که در شرق خیلی جدی می‌گیرید یا هویت قومیتی را اصلاً جدی نمی‌بینید اما این موضوع در شرق بسیار جدی است. ممکن است چنین ادعایی بکنند ولی شما در نهایت اگر خواستید در آن جامعه موفق باشید اصطلاحاً باید **integrate** بشوید. **Integrate** شدن یعنی شما باید در آن جامعه و فرهنگ غالب آن حل بشوید بنابراین باید همه تفاوت‌هایتان را کنار بگذارید. اتفاقاً آنجا دقیقاً نکته همین است که شرط بقا در غرب، فراموشی فاکتورهای هویتی است و دقیقاً شرق عکس آن صادق است و باید فاکتورهای هویتی را خیلی جدی و پر رنگ کنید.

وی همچنین به فشارهایی اشاره می کند که در صورت عدم رعایت آنها در قالب هایی چون شرم بر افراد وارد می شوند. این شرم از طریق تمایز اجتماعی و دسته بندی های دوتایی جامعه ایجاد می شود و در واقع یک احساس برساخته ی اجتماعی است. در مورد عمل ختنه این تمایز اجتماعی از طریق تقسیم بندی دوتایی ختنه شده ها و ختنه نشده ها اعمال می شود. ختنه نشده ها مورد طرد قرار گرفته و با هنجارهای همان جامعه به حاشیه رانده می شوند. در اینجا نظریه طرد اجتماعی و برساخت اجتماعی دو نظریه تبیین کننده می باشند. او می گوید:

«اگر کسی بخواهد هر آیین اجتماعی یا هر آیین سنتی یا قوانین مذهبی مربوط به دسته ای که آن را به دیگران منتسب می داند انجام ندهد دچار یک فشار اجتماعی می شود. از این زاویه که هنجار اجتماعی رو پاس نداشته، اصطلاحاً می گویند شرم اجتماعی بر او مستولی می شود. این به آن شکل خودش را نشان می دهد. در صورتی که روانشناختیش بعد می آید به سمتی که اون Psychological cost (هزینه روانی) رو کاهش بدهد به تعبیری، از میزان مصرفش کم کند برای کاهش آن هزینه، با جمع همونوا می شود مستقل از اینکه اون کار خوب هست یا بد هست.»

او در ادامه و در باب اینکه کدام گروه از جوامع محتمل است تن به این آیین ها و سنن بدهند، می افزاید:

«معمولاً در مورد اقلیت ها به طور کلی بیشتر اتفاق می افتد به این دلیل که کسی که جزو اقلیت هست دچار این ترس می شود که طرد بشود. بنابراین خیلی بیشتر باید تن بدهد به این آیین ها و اگر تن به این آیین ندهد در حقیقت خیلی کمتر پذیرفته می شود. حالا این اقلیت می تواند قومیتی، رنگ پوست، جنسیتی یا هر چیزی باشد.»

ختنه اغلب چنان در تارو پود اعتقادات و باورهای افراد در جامعه سنتی تنیده شده که اغلب اعضای جامعه آن را به مثابه امری طبیعی درک می کنند. در باور آنها ختنه لازمه امری مثل مرد شدن است و کسی نمی تواند بدون ختنه شدن مرد باشد. در اینجا ختنه نماد مرد شدن و مردانگی قلمداد می شود و عمل ختنه که یک امر اجتماعی و برساخته جامعه است، امری طبیعی فهم می شود. به نظر می رسد در این زمینه نظریات زیرمجموعه جامعه شناسی جنسیت تبیین کننده باشد. یکی از مردان مشارکت کننده در این پژوهش، دارای ۶۵ سال و دیپلم و ساکن کانادا، در این باره چنین اظهار می کند:

«درکم این بود که همه باید انجام بدن یعنی یک عملی بود که همه باید انجام بدن یک مقدار به خاطر اینکه ما راحت تر به این قضیه برخورد بکنیم یعنی قبل ترش هم می شنیدیم که مثلاً تو ختنه شدی یا نشدی مثلاً اگر جز ختنه نشده ها بودی یعنی اینکه به اصطلاح، یعنی در حقیقت مرد نشدی یا اینکه یک تشخیص بود یک چیزی هست حاکی از بزرگ شدن آدم بود یعنی یک ارزشی رو تداعی می کرد توی ذهن. علی رغم اینکه می دونستیم خب یک بریدگی هست و یک دردی داره بعد بالاخره اون شکلی که با اون پوست اضافه به اصطلاح قابل قبول نبود یعنی چون نوزادها به همچین حالتی بود ما که تو اون سن ها بودیم وقتی که مثلاً اگه دیده میشد یا چیز میکردن ما جز به قول معروف بزرگترها نشده بودیم یعنی بدمون نمیومد وارد این جرگه بشیم ولی خب یک سابقه داشتیم، میدونستیم که یک چیزیه که باید انجام بگیره»

همرنگی با جماعت و اجتناب از رسوا شدن از مهم ترین کارکردها و دلایلی است که انسانهای مذکر در جوامعی همچون ایران در جستجوی آن با انجام عمل ختنه هستند. مسئله بی آبرویی که از متن سنت ها و هنجارهای غالب بر جامعه می آید، در جوامعی چون ایران که ویژگی های جامعه توده وار را در خود دارد، همواره مسئله مهمی بوده است که عرصه را برای بروز و ظهور تفاوت های اجتماعی و کنش های مبتنی بر تمایزات اجتماعی تنگ و محدود کرده است. به نظر می رسد در اینجا نظریه تایید اجتماعی، نظریه جامعه توده و نظریه همنوایی اجتماعی تبیین کننده باشد.

اظهارات یک مرد ایرانی ۶۵ ساله و ساکن تورنتو در این زمینه گویاست:

«یعنی یک برداشت من این نبود یعنی کماکان هم همین. یعنی یک عمل مضر تشخیص نمی دادیم بعد حتی از نظر بهداشتی اون عضو بهتر بود و به اصطلاح یک چیز دیگه بود که به اصطلاح در بافت جامعه ما اصلا نامتعارف بود اگر این عمل انجام نمی گرفت چون بالاخره بعدها به اصطلاح مورد پرسش قرار می گرفت یعنی به خاطری که به اصطلاح معمول باشه و چجوری بگم حالا شاید کلمه انگشت نما خیلی خوب بیان نکنه ولی چیز بود یعنی یه چیز معمولی، بی ضرری می دیدم که باید انجام بگیره.»

مجموع این نشانه ها از قدرت بی بدیل سنت ها و هنجارهای اجتماعی حکایت دارند که به موجب آن افراد بسیاری، بی آنکه دلیل روشن و مشخصی برای کارهای خود بیابند، تن به هنجارهای اجتماعی می دهند و راه رفته گذشتگان را دنبال می کنند. برای درک بهتر این موضوع می توان پاسخی را که به پرسشنامه عمومی این پژوهش داده شده مورد بررسی قرار داد؛ اغلب کسانی که به این پرسشنامه پاسخ داده اند در توضیح دلایل ختنه شدن خود یا فرزندانشان هنجارهای اجتماعی و عرف و سنت را مورد اشاره قرار داده اند: زنی ۳۵ ساله اهل جوانرود از استان کرمانشاه می گوید:

«من دو تا فرزند پسر دارم و هر دو را قبل از دو ماهگی ختنه کردم، معمولاً اطرافیان ما در همین سن بچه های خود را ختنه می کنند. درباره اینکه چرا ختنه کردم؛ راستش اینطور نبوده که بنشینم فکر کنم و بعد برم کاری رو انجام بدم انقدر این موضوع در شرع و عرف جامعه ما پذیرفته شده و عادی هستش که کسی به چرایی آن فکر نمی کنه مثل اینکه از کسی سوال کنید چرا با قاشق غذا می خوری؟ به خاطر پشتیبانی که شرع و عرف از ختنه تا حالا کرده و به دلیل نکات مثبتی که میگن از نظر بهداشتی داره این مساله در جامعه ما کاملاً عادی و پذیرفته شده است.»

قدرت سنت ها، فرهنگ و آداب و رسوم در سبک زندگی افراد و تصمیماتی که می گیرند آنقدر زیاد است که در مواردی مثل ختنه مردان، برخی از مردم بی آنکه به چرایی مساله ای بیندیشند، به روال گذشتگان اقدام می کنند. برای این افراد سرپیچی از منویات جامعه و سنت نوعی انحراف از معیارهایی است که تعیین کننده وضعیت طبیعی در جامعه اند و به نظر می رسد که «ختنه شدگی» نیز یکی از مصادیق وضعیت طبیعی در باور جوامعی همچون جامعه ایران باشد، چنانچه مردی ۴۳ ساله ساکن تهران در پاسخ به پرسشنامه این پژوهش درباره دلیل اینکه فرزندش را ختنه کرده می گوید:

«من دلیلی نداشتم ولی بیشتر به خاطر اینکه توی این جامعه همه باید بالاخره به روزی این کار رو بکنن.»

در واقع سنت‌ها علاوه بر اینکه افراد را ملزم به رعایت قوانین می‌کنند راه را برای طرح هرگونه سوالی نیز بر روی آن‌ها می‌بندند. سنتها از طریق طبیعی جلوه دادن پدیده‌هایی که اموری اجتماعی اند و برساخته جامعه و شرایط آن هستند و در اینجا ختنه از همان پدیده هاست، راه را برای پرسشگری و نقادی ذهن کنشگران می‌بندند و ضرورتی برای آزادی و اختیار و نقد اجتماعی در باب این پدیده‌ها نمی‌گذارند. برای درک بهتر این موضوع پاسخ مردی ۶۵ ساله از تربت‌جام درباره دلیل ختنه فرزندش قابل تامل است:

«این کار امری معمولی بود که باید طبق روال انجام می‌شد»

اما آیا پیروی از گذشتگان و نیاکان ضرورتی غیرقابل اجتناب است یا الزامی درباره آن وجود ندارد؟ بنظر می‌رسد با تاکید بر بلوغ و خودبسندگی جهان امروز هر فردی باید با منطق و عقلانیت راه خود را انتخاب کند. شهرام اقبال زاده، مترجم، منتقد و نویسنده ادبیات کودک در این زمینه تصریح می‌کند:

«در یک روند کلی چنین تحولاتی مشابهت‌های زیادی دارند، در عین اینکه غرب خیلی زودتر به این مرحله رسیده مثلا به خاطر روابط گسترده‌ای که سرمایه‌داری دلیل آن بوده، سرمایه‌داری به پدیده جهانی بدل می‌شود، یعنی از سطح ملی به اجبار گذر می‌کند به خاطر اینکه باید تولید مازاد و کالاهایش را صادر کند، باید مواد اولیه‌اش را تامین کند، به همین دلیل روابط خیلی گسترده می‌شوند. این گستردگی فقط در سطح اقتصاد نیست، بلکه در سطح فرهنگ و سیاست هم رخ می‌دهد. در مراحل اولیه که هنوز تمرکز سرمایه و قدرت انحصاری بین جناح‌های سیاسی شکل نگرفته، ضرورت گردش آزاد سرمایه، موجب آزادی سیاسی و فرهنگی و تقدس‌زدایی از برخی از آیین‌های مذهبی و حتی منع کلیسا از دخالت در مسائل فرهنگی و عقیدتی می‌شود و با آزادی اندیشه، خیلی از کلیشه‌های جنسیتی و شبه‌مقدس به چالش و پرسش کشیده می‌شوند. مراجع دینی و نهادهای مذهبی و سیاسی و رهبران قومی قبیله‌ای یا دینی مذهبی و آئینی که رمزگشایی و اختیار تفسیر محرمات و تابوهای جنسی را در اختیار دارند در نهایت طی روندی تاریخی، هم اختیار رمزگشایی و تفسیر این شبه مقدسات و محرمات را که به قدرت اجتماعی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بدل شده را بدست آورده اند و هم امتیازات خاصی را به خود اختصاص داده اند و جدا از فرد فردشان، به یک قشر یا یک کاست قدرتمند مبدل شده اند، یعنی در مجموع به صورت یک طبقه‌ی هژمونیک درآمدند، بخشی از طبقه‌ی حاکم که دو ستون دارد یکی قدرت سیاسی و دیگری قدرت مرجعیت مذهبی. این‌ها اجازه هیچ نوع تفسیر و رمزگشایی را نمی‌دهند چون نهایتا اگر اقتدارشان بشکند و آن اعتبار و اوتوریت معنوی‌شان از دست برود قدرت سیاسی و هژمونی‌شان هم زیر سوال رفته و این می‌تواند برایشان بحران‌زا باشد.»

شیخوخیت و پیرسالاری نیز بخشی از منطق باورمندان به عمل ختنه است. در جامعه سنت زده، پیران و شیوخ از اقتدار و مرجعیت بالایی در بین اعضای جامعه برخوردارند. یکی از مشارکت کنندگان در این پژوهش زنی ۳۰ ساله ساکن شاهین‌شهر استان اصفهان است. او در بخشی از سخنان خود در بیان چرایی تن دادن به ختنه پسرش عنوان می‌کند:

« طبق نظر بزرگترها پیش رفتیم.»

در همین راستا باید اذعان داشت که بازتعریف و منتسب کردن مفاهیمی چون مردانگی و شجاعت به پسرانی که ختنه می‌شوند و نحوه برخورد جامعه مورد بحث با افراد ختنه نشده، توانسته ذهنیت مثبتی را نسبت به ختنه مردان پدیدار سازد. این دوگانه سازی جامعه که منتسب به ختنه شده و ختنه نشده می‌شود و پیشتر به آن اشاره شد خود عاملی برای طرد اجتماعی افراد ختنه نشده و در نتیجه تن دادن به آن با هدف کسب تایید اجتماعی است. به بیان دیگر این قبیل رفتارها سبب شده است که در بلندمدت عمل ختنه در برخی از جوامع به سنت و ارزشی والا بدل گردد و پابندی به سنن تحسین گردد از همین روی کودکان با علاقه و رغبت تن به این عمل دهند. مردی ایرانی، ۶۵ ساله و ساکن شاندیز از استان خراسان رضوی در پاسخ به این سوال که چرا ^{بانی قضی حقوق اسلامی} به انجام چنین عملی برای فرزندان خود مبادرت ورزیده، چنین می‌گوید:

«هیچی، هم مثل نماز خوندنمونه دیگه چون بابامون نماز می‌خونده ما هم نماز می‌خوندیم در اون سن.»

بدیهی است که محیط و جغرافیایی که افراد در آن زندگی می‌کنند در انتخاب و اختیار افراد برای اینکه دنباله‌رو چشم و گوش بسته سنت‌ها باشند یا با درایت پیش بروند موثر است و این مهم را می‌توان از میان نقل قول‌های برخی پاسخ‌دهندگان که در ایران فرزند خود را ختنه کرده‌اند ولی در حال حاضر در کشوری دیگر زندگی می‌کنند، ملاحظه کرد؛ برای مثال زنی ۵۶ ساله ایرانی و ساکن تورنتو درباره اینکه چرا فرزندش را ختنه کرده می‌گوید:

« چون در ایران مرسوم بود و دلیل دیگری نداشت.»

همچنین مردی ایرانی ۷۰ ساله ساکن کلن آلمان هم عنوان می‌کند که پیروی چشم‌بسته از سنت‌ها او را واداشته که برای ختنه پسر خود اقدام کند. به عبارت دیگر این افراد بعد از خروج از محیط و جامعه‌ای که پایبند سنت‌هاست، فرصت می‌یابند که با نگاه و بینش شفاف‌تری درباره علل و دلایل یک کار پیش از اقدام به انجام آن بیندیشند. در واقع چنین به نظر می‌رسد که بسیاری تن به این عمل درباره فرزندان خود می‌دهند برای اینکه در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مورد پذیرش قرار بگیرند تا به اصطلاح هم‌رنگ جماعت شوند. این تجارب زیسته نمایانگر قدرت جامعه در برساخت ذهن کنشگران اجتماعی در جامعه‌ای بسته، سنتی و قبیله‌ای است، به گونه‌ای که تبعیت نکردن از هنجارهای جامعه ناهمنوایی قلمداد شده و به طرد اجتماعی منتهی می‌شود، لذا اجازه کنشگری فعال و خلاق از فرد سلب شده و افراد از ترس حذف و طرد شدن قادر به انجام رفتاری مغایر با هنجارهای موجود و متفاوت از اکثریت نیستند. در اینجا ترس از دیگری بودن و غیریت سازی و برچسب زنی اجتماعی منجر به هم‌نوایی و تبعیت از انجام سنت ختنه به مثابه هنجار مسلط بر جامعه عمل می‌کند. به نظر می‌رسد نظریه برچسب اجتماعی و نظریه طرد اجتماعی تحلیل‌کننده این وضعیت باشد. زنی ۳۶ ساله دانشجوی ساکن انگلستان و اهل سندیج در استان کردستان با این که خود اعتقادی به ختنه ندارد و آن را نوعی ناقص سازی می‌داند ولی با اشاره به هنجارهای جامعه سنتی از دشواری‌های ماندن بر سر این باور سخن به میان می‌آورد. وی می‌گوید:

«به نظر من عمل ختنه یک جور ناقص سازی جنسی هست و من اگر صاحب فرزند پسری باشم به هیچ عنوان او را ختنه نمیکنم اما این را هم می دانم که اگر من در خانواده ای مذهبی و سنتی باشم که به دلیل سنت، دستور دین و مسایل بهداشتی ختنه را انجام می دهند، قطعاً روبروی من و تصمیمی که گرفتم و یا حتی مقابل فرزند من جبهه خواهند گرفت و این کار را مشکل می کند اما قطعاً من سعی می کنم آن ها را متقاعد کنم که این کار ناقص سازی جنسی هستش.»

در تجربیات برخی از مشارکت کنندگان اشاره به برخی محدودیت هایی شده که انسان ختنه شده در زندگی روزمره خود با آن مواجه است. به نظر می رسد که موضوع پاک بودن و آنچه که در ادبیات دینی تحت عنوان «طهور» از آن یاد شده است ملازمه عمیقی با عمل ختنه در ذهنیت دینی داشته و در ترغیب آنها به انجام عمل ختنه بسیار موثر بوده است. مثلاً مرد ۳۴ ساله، مسلمان، لیسانس، شیعه و ساکن اهواز در این باره می گوید:

«یادمه با بابام و عموم رفتیم و تیغ اسلام رو کشیدن رومون مسلمون پاکی شدم، قبل ختنه بهم میگفتن سر مرغ نمیتونی ببری چون ختنه نشدی پاک نیستی البته بعد ختنه هم سر مرغ نبریدم، یه سری جایزه دادن و خوشحال بودم، بعد ختنه هم دنبال مدفوع خر ماده بودن برام که دود بدن بهم با اون دامن قرمزی که پام کردن.»

۲-۵- زمینه های دینی و مذهبی

آنگونه که شواهد و اسناد تاریخی موجود به اثبات می رساند، نقش دین در تداوم عمل ختنه تعیین کننده بوده است به طوریکه در طول تاریخ همواره افرادی بوده و هستند که این عمل را انجام می دهند، بی آنکه جز پیروی از دستورات دینی، دلیل مشخص و روشنی درباره آن داشته باشند. برخی پاسخهای مادران و پدران به پرسش نامه عمومی این پژوهش درباره اینکه چرا فرزندان خود را ختنه کرده اند نیز بر این موضوع صحنه می گذارد. مرد ۶۵ ساله دیپلم، ساکن کانادا در این باره می گوید:

«یه چیزی بوده بالاخره رایج بوده بالاخره تو یک جامعه مذهبی بودیم اینم ارتباطی داشت با مذهب. یعنی همون موقع ها میشنیدیم اونایی که مثلاً دینشون فرق میکنه با ماها، الان میگم اعتقادی ندارم اون موقع خب ما به عنوان یک شیعه می دونستیم که این باید انجام بگیره و این مته یک تشخصه، میدونستیم مثلاً مسیحیها این کار رو نمیکنن.»

پدران و مادرانی که به سوالات پرسشنامه این پژوهش درباره دلایل ختنه فرزند خود، پاسخهای کوتاه داده اند، نقش تعیین کننده دین را متذکر شده و خود را بی هیچ چون و چرایی موظف به انجام دستورات دینی می دانند. به عنوان مثال زنی ۳۰ ساله اهل بیرجند از استان خراسان رضوی پیروی از شرع را دلیل قاطع خود برای ختنه فرزندش ذکر می کند. مردی ۲۹ ساله اهل تایباد از استان خراسان رضوی می گوید اطاعت از دین و خانواده

دلیل او برای ختنه فرزندش بوده است. همچنین زنی ۵۹ ساله از کاشمر استان خراسان رضوی نیز اسلام و سلامت را به عنوان دلایل خود مطرح می‌کند. به عنوان مثال زنی ۳۶ ساله از تهران گفته است:

« من پسر را ختنه کردم و مطمئنم که باید این کار را می‌کردم چون ختنه سنت پیامبر هستش و ما وظیفه داریم بچه‌هامون رو ختنه کنیم. اگر روزی هم پسر از من سوال کنه که چرا من رو ختنه کردی حتما بهش میگم چون تو مسلمان هستی و اگر ختنه نمی‌کردی نمی‌توانستی داماد شی و نمازت قبول نبود.»

عادی‌انگاری عمل ختنه به دلیل استیلائی دین و مذهب بر زندگی انسان در کنار ناآگاهی، عواملی است که دکتر علیرضا کرمانی جامعه‌شناس حوزه کودک، از آن‌ها به عنوان مهمترین دلایل استمرار ختنه در طول تاریخ یاد می‌کند:

« ما در فضایی بزرگ شدیم و زندگی کردیم که نه تنها درباره پیامدها و عوارض منفی ختنه چیزی نشنیدیم که آنقدر هم تبلیغات درباره کارکردهای مثبت آن زیاد بوده که تصور می‌کردیم امری طبیعی است و باید انجام شود. من اگر بخواهم به هر کدام از دلایلی که باعث تدوام و استمرار ختنه در طول زمان شده‌اند وزن بدهم فکر می‌کنم نا آگاهی و استیلائی دین و مذهب بر زندگی انسان در طول سده‌های گذشته و در نهایت شاید چیزی به اسم بیزنس پزشکی در دوره معاصر بتواند از دلایل گسترش و استمرار ختنه باشند.»

فارغ از اظهار نظرهای افراد درباره سکس مردان ختنه نشده و ختنه شده که از تجربیات شخصی آن‌ها برمی‌آید نمی‌توان قدرت هنجارهای شرعی و تاثیر آن در انتخاب‌های افراد را نادیده گرفت. اینجا منظور زنانی هستند که به دلیل موقعیت جغرافیایی و عرف جامعه باید مردی را برای ازدواج انتخاب کنند که ختنه شده باشد حتی اگر بدانند آن مرد عملکرد جنسی فوق‌العاده‌ای نخواهد داشت؛ به عنوان مثال می‌توان به گفته‌های خانمی ۳۵ ساله اهل جوانرود استان کرمانشاه اشاره کرد:

«در جامعه ما کمتر مردی هست که به سن بزرگسالی رسیده شده باشد ولی ختنه نشده باشد ولی نگاه جامعه به یک مرد ختنه نشده به عنوان یک آدم معمولی ممکنه نباشه. اغلب مردها در سن کودکی ختنه می‌شوند و اینکه ختنه شده باشن و یا نشده باشن انتخاب خودشون نبوده با این همه انقدر این موضوع توجیه شرعی و عرفی داره که خود به خود روی نگاه جامعه به مرد ختنه نشده تاثیر میگذاره. برای یک زن به خصوص اگر خیلی پایبند به شرع و سنت باشه خیلی اهمیت داره که همسرش ختنه شده باشه. حتی شاید به ختنه نشدن به معنای نقص هم نگاه کنه.»

برای بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، به ویژه آنهایی که تجربه زندگی در غرب را دارند و یا دارای تحصیلات عالی هستند، احترام به هنجارهای مذهبی به معنای تسلیم بودن محض در مقابل آنها نیست. برای فرزند زمان خود بودن آنگونه که دکتر کرمی به آن اشاره می‌کند باید تفکری در جامعه ایجاد شود که انتقاد از سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی که ریشه در سنت و تاریخ دارند به مثابه خروج از دین و زیرپا گذاشتن اصول جامعه تلقی نشود و این در حالی است که هنجارهای سنتی مثل ختنه به واسطه مشروعیت دینی و قدمتی به درازای طول تاریخ از چنان قدرتی برخوردار شده‌اند که رویارویی با آن‌ها گاه حتی غیرممکن

می‌باشد. در واقع این به معنای مشروعیت بخشی به عمل ختنه کردن از طریق گفت‌وگو دینی است یا به عبارتی مشروعیت بخشی به هنجارهای اجتماعی است که در ارتباط با این پدیده اجتماعی شکل گرفته اند و به واسطه این مشروعیت بخشی از قدرتی اجتماعی برخوردار شده اند، تا عمل ختنه کردن به مثابه یک امر اجتماعی را به عنوان امری طبیعی جلوه دهند که تبعیت نکردن از آن تابو و توأم با گناه و عدول از فرامین دینی / مذهبی است. سوسن رضایی دانشجوی دکترای شرق شناسی در کلن آلمان معتقد است که یکی از راهکارهای تغییر نگرش جوامع مسلمان و یهود نسبت به ختنه این است که آگاهی پیروان این ادیان را نسبت به کارکرد اجتماعی آن فزونی بخشیم:

« و خب اگر این طوری به ختنه نگاه نکنیم. آن موقع هم می‌توانیم در مرحله بعد والدین و جامعه را قانع کنیم که اوکی شما ختنه را برای یک هدف اجتماعی انجام می‌دهید در نتیجه می‌توان فیزیکی را ملایم‌تر کرد. یعنی به جای اینکه یک بخشی از پوست یک انسان را ببری می‌توانی به صورت نمادین یک خراش کوچک بزنی یا به جای اینکه این همه درد به بچه تحمیل کنی با یک جشن، سر و ته ماجرا را هم بیاوری و ورود او را به مرحله جدید جشن بگیری. ولی این چیزی است که یک شبه به دست نمی‌آید، مرحله به مرحله به دست می‌آید.»

زمینه های دینی ختنه از چنان اهمیتی برخوردارند که به گمان بعضی این وضعیت باعث شده تا بسیاری از سازمانهای بین المللی با اتخاذ رویکردی محافظه کارانه در عمل راه را بر تدوین سیاست های بین المللی علیه ختنه مسدود کند. به عنوان مثال دکتر رضا یحیایی متخصص کودکان در کانادا درباره دلایل عدم مخالفت با ختنه پسران و سکوت درباره آن از سوی نهادهای مدنی و بین المللی می‌گوید:

« دلیل اینکه چرا برای مخالفت با ختنه موضع گیری مشخصی وجود ندارد، واضح است چون سرشاخه علم پزشکی از دین یهود است و خب هر چیزی که به یهودیت ارتباط پیدا کند، کلا در معرض مخالفت قرار نمی‌گیرد. این مساله فقط به ختنه محدود نیست و موضوعات دیگری را هم در برمی‌گیرد. درباره ختنه هم از آنجا که باور دینی یهود بر این است که کودکان باید در روز هشتم ختنه شوند، هر کسی خلاف این سخنی بگوید می‌شود یهودستیز.»

این اظهارات ضمن نشان دادن ریشه های دینی ختنه به عمل ختنه مشروعیت اجتماعی نیز می‌بخشد. از آنجا که دین و سنتها عمری به درازای تاریخ دارند تغییر آنها حتی در صورتی که وجوه آسیب‌زا بودنشان به اثبات برسد، زمان زیادی نیاز دارند. ختنه نیز به واسطه عمر هزاران ساله و مشروعیتی که از دین گرفته، مساله‌ای است که هرگونه پرداختن به آن باید با در نظر گرفتن همه جوانب باشد. بدیهی است تغییر نگرش مردمی که مساله‌ای مثل ختنه را به‌عنوان جزئی جدانشدنی از سنت و مذهب پذیرفته‌اند نه آسان است و نه یک شبه اتفاق می‌افتد اما روشنگری، آگاهی بخشی و آموزش عمومی و مدنی می‌تواند کلید راهگشای این مسیر باشد.

۳-۵- زیبایی و مد

در آمریکا و دیگر نقاط جهان به خصوص ایران افرادی هستند که با ذکر دلایل پزشکی و بهداشتی اقدام به ختنه فرزندان خود می‌کنند. اشاعه ختنه به دلایل غیر دینی و در کشورهایی که مدرن و توسعه یافته نامیده شده اند باعث شده تا بسیاری بدون توجه به تبعات مثبت یا منفی ختنه اقدام به ختنه فرزندان پسر خود به تاسی از کشورهای توسعه یافته ای نظیر آمریکا کنند. به نظر می‌رسد شیوع ختنه در جوامع توسعه یافته ظرفیت تبدیل آن به یک مد اجتماعی را افزایش داده است. این بعد از ختنه در گفته های برخی از مشارکت کنندگان در پژوهش مشهود بود که از جمله این سخنان می‌توان به اظهارات شهروندان ایرانی که به پرسشنامه عمومی این پژوهش درباره چرایی ختنه فرزندانشان پاسخ داده‌اند، اشاره کرد. در اینجا ختنه به مثابه مد اجتماعی متأثر از رویکرد اجتماعی است که در کنار رویکرد پزشکی مسلط، به عمل ختنه کردن در کشورهای به نسبت توسعه یافته تر مشروعیت می‌بخشد. زنی ایرانی ۳۴ ساله ساکن ترکیه در همین باره چنین می‌گوید:

من کاری به اینکه می‌گویند دستور دین هست یا مثلا از قدیم رایج بوده و اینا ندارم ولی شنیدم که از نظر پزشکی اثبات شده که ختنه کردن سلامتی پسرها رو تضمین می‌کنه الان تو کشورهای اروپایی و آمریکایی هم دارن تایید می‌کنن که ختنه خیلی مثبته اگه بد بود که تو آمریکا بچه‌ها رو ختنه نمی‌کردن.»

علاوه بر مد انگاری ختنه، برخی باورمندان به ختنه معتقدند این عمل باعث زیباتر شدن آلت جنسی مردانه می‌شود و این باور در افکار عمومی تبدیل به یکی از دلایل تایید ختنه در میان عموم مردم است. از آنجایی که در جهان امروز زیبایی و مد در هم تنیده است و مرز مشخصی بین آنها دیده نمی‌شود، ختنه در عین حال که به مثابه مد اجتماعی مطرح است، به عنوان زیباسازی آلت هم به این عمل دامن زده می‌شود و اینچنین است که مورد اقبال کنشگران اجتماعی قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به سخنان دو تن از زنان مشارکت کننده در این باره اشاره کرد:

«ختنه باعث میشه هم آلت تناسلی مرد زیباتر بشه هم از بیماری‌های عفونی پیشگیری می‌کنه.» (زنی ۳۵ از استان کرمانشاه)

«از نظر زیبایی و بهداشتی هم آلت آن‌ها بهتر است و در کل سکس بهتری دارند.» (یک زن ایرانی ۳۶ ساله دانشجو در کلن آلمان)

پزشکی تلاش دارد که تا از طریق تشریح عمل ختنه و اینکه پیامدهای آن قابل درمان و رفع شدن است، اعتماد اذهان اجتماعی را برانگیزد و آن را تقویت کند تا بتواند در مراحل بعدی تبلیغات بواسطه این مشروعیت بخشی با دستاویز پزشکی، با تاثیر اجتماعی بالاتری کنشگران اجتماعی را به این عمل به مثابه یک عمل طبیعی و ضروری و نه برساخته ی اجتماعی، ترغیب نماید. توجیهات پزشکی اگر چه عمدتا از سوی افراد صاحب صلاحیت علمی و از مجاری مشخصی همچون مقالات علمی و پژوهشی در جامعه منتشر می‌شوند اما این گزارشها عمدتا دست مایه تبلیغاتی می‌شود که سعی در پنهان سازی اهداف تجاری مراکزی چون کلینیک های تخصصی ختنه دارند. این مراکز با استفاده از گزارش های علمی و استفاده از اصطلاحاتی چون

«مرکز تخصصی ختنه، ختنه بدون درد، کلینیک تخصصی ختنه، کلینیک ختنه نوزادان در تهران، ختنه اطفال، هزینه ختنه در کلینیک» سعی در ترغیب مردم به ختنه فرزندان پسر خود در این مراکز دارند. این عبارات تبلیغاتی که با جستجوی کلمه «ختنه» در گوگل به دست می‌آیند، علاوه بر اینکه از درآمدزایی این کار حکایت دارند، از رقابت تنگاتنگی خبر می‌دهند که در این عرصه وجود دارد. در صفحات اختصاصی پزشکان و کلینیک‌های مذکور مطالبی درباره نکات مثبت ختنه از جمله پیشگیری از ابتلا به ایدز و سرطان آلت تناسلی وجود دارد اما درباره عوارض و پیامدهای منفی یا اطلاع‌رسانی نشده و یا کمتر صحبت می‌شود. این امر نمایانگر رابطه پزشکی با مافیای اقتصادی تبلیغات و گفتمان‌های مسلط بر صنایع فرهنگی / مذهبی است و موید آن است که گفتمان پزشکی از ساختارهای ایدئولوژیکی قدرت متأثر بوده و در همدستی و تعامل با آن کارکردهای خود را تنظیم می‌کنند.

۶- رویکردهای جامعه شناختی در مورد حق بر بدن

موضوع بدن مبحثی است که در اندیشه‌های پیشامدرن در قالب‌های مختلف، خصوصا در مباحث دینی و الهیات مسیحی بدان پرداخته شده است. در این اندیشه‌ها غالبا "بدن" به عنوان عنصری منفی با قابلیت گناه و کجروی نمود پیدا می‌کند و مانع تعالی روح دانسته می‌شود. در تفکرات پسامدرنیستی، مدیریت بدن، فردانیت، حق مالکیت بر بدن و پایان دادن خودخواسته به زندگی و حیات جسم از مباحث اساسی مورد طرح محسوب می‌شوند. بحث راجع به مالکیت انسان نسبت به بدن خویش همیشه با چالش‌های اخلاقی، مذهبی و فرهنگی و پزشکی همراه بوده است. از میان دیدگاه‌های موجود در جامعه‌شناسی بدن به نظر می‌رسد رویکرد کالبدی، بر ساخت‌گرایی و رویکردهای ترکیبی مناسب‌ترین رویکردهای نظری برای فهم جامعه شناختی یک پدیده متصل به بیولوژی همچون ختنه باشد. در ادامه به ارایه گزارش مختصری از برخی رویکردها پرداخته می‌شود.

جامعه‌شناسی بدن حوزه‌ای است که از نیمه دوم ۱۹۸۰ به صورت جدی توسط میشل فوکو و بعدها برایان ترنر مطرح شد. هدف این حوزه بررسی و مطالعه تاثیر بدن بر جامعه و تاثیر جامعه بر بدن می‌باشد. مری داگلاس بدن را یک متن فرهنگی می‌داند که ضمن انعکاس ارزشهای فرهنگی و اشتغالات و اضطرابات یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می‌بخشد. او روشن می‌کند که بدن در یک فرهنگ خاص چگونه بازنمایی می‌گردد و چگونه به مکانی برای شیوه‌های رفتاری و اعمال دلالت‌کننده جامعه تبدیل می‌شود. داگلاس معتقد است که پیکره اجتماعی، نحوه درک بدن فیزیکی را مقید می‌کند و آنچه از خلال کنش پیکر اجتماعی با بدن فیزیکی حاصل می‌شود در بدن به عنوان یک رسانه محدود ابراز می‌شود. از نظر او بدن طبیعی ما توسط قوانین جامعه محدود می‌شود و شکل می‌گیرد (فرزانه، ۱۳۸۷) وجود انسانی در بدو امر دارای یک مظهر بدنی است. اعضای مختلف بدن دارای ارزشهای فرهنگی مساوی نیستند و هنجارهای فرهنگی و مذهبی و اجتماعی هر کدام بخشهای متفاوتی از اجزای بدن را عرصه هدفگذاری خود قرار می‌دهند، مثلا صورت و چهره بیش از هر عضو دیگری از منظر هنجارهای اجتماعی و دینی محل تمرکز ارزشهاست، احساس هویت شخص بیش از هر عضو دیگر در صورت متجلی است. یا آلت تناسلی محل تمرکز ارزشها و

هنجارهای دینی و اجتماعی و حقوقی است (محسنی، ۱۳۷۶) که از این میان ختنه بعنوان بخشی از دستگاه تناسلی، محل مناقشه نهادهای متعددی است و انسان هنجارمند در این میانه مرکز کشاکش ها و تصمیم سازیها قرار گرفته است.

انسان شناسانی چون ایولین رید و مارگارت مید همونوا با میشل فوکو معتقدند که پیکر و کالبد انسانی صرفاً یک مقوله زیست شناختی و یا پزشکی نیست بلکه آنزمان که در عرصه تعاملات و زندگی جمعی قرار گرفت و پا به میدان اجتماع نهاد از ابعاد اقتصادی، مذهبی، هنری، سیاسی، حقوقی، نظامی، فرهنگی، طبقاتی، جنسیتی و... مورد ارزیابی قرار می گیرد از جمله در بعد اجتماعی عرصه تبعیض های جنسیتی و نژادی و طبقاتی، از منظر سیاسی و حقوقی عرصه اعتراض، شکنجه، اعدام...، از منظر هنری عرصه آرایش، نقش و نگار و تزئین های آئینی، از منظر پزشکی عرصه معاینات و اعمال جراحی های ضروری و یا غیر لازم زیبایی شناختی، از بعد نظامی عرصه جنگ و قدرت جنگاوری و جانفشانی، از بعد اقتصادی در معرض کار و بیگاری، از منظر دینی عرصه عبادت و شهادت و انجام مناسک دینی و امر به معروف و... از بعد فرهنگی نماد و نشان رسوم و باورها و سبک زندگی و ...

علی‌رغم واقعیت‌های نظری فوق، با عنایت به نقش اساسی آگاهی و زبان، به عنوان مؤلفه‌های جسمانی کنترل اجتماعی، می‌توان تحلیل مارکس دربارهٔ تابعیت بدن‌های طبقه کارگر از ماشین، در فرایند گسترش فناوری مربوط به سرمایه داری و چگونگی عقلانی سازی بدن در نظام‌های دیوان سالار، نظیر آنچه در تحلیل‌های ماکس وبر آمده است را از مصادیق توجه غیرمستقیم به بدن در نظریه‌پردازی کلاسیک جامعه‌شناسی دانست. همزمان با چالش‌های فراروی ایده «افتراق طبیعت و جامعه» از سوی علم جامعه‌شناسی، نظریه‌پردازان اجتماعی بدن را از یک سو، نسبت به «کنشگر انسانی» و از سوی دیگر، در ارتباط با «رویه‌های جامعه شناختی» مفهوم سازی کردند (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۹).

پس از قرن ۱۹ و پیوند رژیم غذایی و علوم تغذیه ای، عقلانی سازی بدن در ارتباط با علم بشر قرار گرفت. در عقلانی سازی به شیوهٔ مدرن، بدن پدیده ای «عمیقاً جنسیتی» فرض می‌شود که باید متناسب با کارایی وجوه نظام‌های اجتماعی جدید سازمان دهی شود. نظام‌های دیوان سالار از عوامل مؤثر در کنترل بدن، به منظور تعیین چگونگی کیفیت یا کمیت کار روی بدن، فارغ از نیازهای بدنی کارکنان هستند. سازمان‌های بروکراتیک، بدن‌های زنان را در مقایسه با بدن‌های مردان، در کنترل بیشتری قرار می‌دهند؛ زیرا از زنان انتظار می‌رود با مدیریت قاعدگی، بارداری و یائسگی، آنها را پنهان نگه دارند. نظام‌های جهانی، در مدرنیته متأخر، افراد را خارج از موقعیت اجتماعی آنها در معرض خطرات تکنولوژیکی و محیطی روز افزون قرار می‌دهند و زمینه «جهانی شدن بدن» را فراهم می‌آورند (Turner, 1987: 123).

در ساخت گرایی اجتماعی بدن شامل معانی اجتماعی است که از سوی جامعه محدود و ابداع می‌گردد. وجه مشترک نحله‌های ساختارگرایی، مخالفت با تحلیل بدن به عنوان پدیده زیست شناختی است. از نظر گافمن، موقعیت‌های اجتماعی تدارک دهنده «تئاتری طبیعی» هستند که نمایش‌های بدنی در آن اجرا و تفسیر

می‌شود. گافمن با طرح اصطلاح «نمایش دادن خود» و بررسی کنش متقابل اجتماعی بر حسب «پشت صحنه»، «روی صحنه»، «فضای خصوصی» و «فضای عمومی» متناظر با آنها، به کندو کاو در «جسمانیت» می‌پردازد. از نگاه وی، عواملان بدنی با توسل به روش‌های علامت دهی اجتماعی، سعی در جلب نظر دیگران به خود دارند. این عواملان بدنی معرف‌های «تجسد یافته» منش و منزلت اند که توسط کنش‌گران دیگر تفسیر می‌گردند (Turner, 1987: 123). از نظر فوکو «روابط قدرت»، نوعی چسبیدگی بلافصل با بدن دارند، به گونه ای که بدن همواره مورد «سرمایه گذاری»، «نشانه‌گذاری» و «تربیت» قرار می‌گیرد و برای «انجام وظایف»، «شرکت در مناسک» و «ساطع کردن انواع نشانه‌ها» تحت فشار قرار می‌گیرد. هم چنین، «راهبردهای خود» به روش‌هایی اطلاق می‌شود که افراد از طریق آن برای رسیدن به حس رضایت روی بدن‌های خود کار می‌کنند و افراد تحت تأثیر گفتمان‌های غالب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بدن‌های خود را از آنها متأثر می‌سازند. «خود»های برساخته اجتماع، «بدنی‌شده» و «متجسد» هستند که از طریق روش‌های دسته‌بندی، مدیریت بدن و به انضباط کشیدن آن حاصل می‌گردد. ویژگی‌های ظاهری بدن، به افراد قدرت چانه زنی می‌بخشد و افراد از آن برای سرمایه گذاری استفاده می‌کنند (ذکایی، 1386: 124). بدن در جریان «قدرت» به صورت گفتمان، از نو تولید و نهادینه می‌شود. «دانش - قدرت» فرایندی را بنیان می‌نهد که از طریق آن خود بدن، خودش را به عنوان «ابژه» شناسایی می‌کند. «خود نظارتی» فرایندی است که در آن «سوژه‌ها» به عنوان اعضای فعال و آگاه، با مفاهیمی چون «سلامت عمومی» تن به آزمایشات پزشکی می‌دهند. در این حالت، مرز بین مفاهیم خصوصی و عمومی خدشه دار می‌شود. سلامت فرد، مسئله ای شخصی نیست، بلکه امری اجتماعی است که نهادهای بسیاری موظف به نظارت بر آن هستند. افراد به عنوان شهروندان مدنی و یا مطیع، نه تنها در برابر این نظارت‌ها مقاومت نمی‌کنند، بلکه آگاهانه به آنها تن می‌دهند. فوکو هدف این تلاش‌ها را «نظارت بر بدن» می‌داند. (netelton, 1998: 78).

مری داگلاس بدن را یک متن فرهنگی می‌داند که ضمن انعکاس ارزش‌های فرهنگی و اشتغالات و اضطرابات یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می‌بخشد. او روشن می‌کند که بدن در یک فرهنگ خاص چگونه بازنمایی می‌گردد و چگونه به مکانی برای شیوه‌های رفتاری و اعمال دلالت‌کننده جامعه تبدیل می‌شود. داگلاس معتقد است که پیکره اجتماعی، نحوه درک بدن فیزیکی را مقید می‌کند و آنچه از خلال کنش پیکر اجتماعی با بدن فیزیکی حاصل می‌شود در بدن به عنوان یک رسانه محدود ابراز می‌شود. از نظر او بدن طبیعی ما توسط قوانین جامعه محدود می‌شود و شکل می‌گیرد. (فرزانه، 1387) وی بر چگونگی «گره خوردن نهادها در ساخت‌های تشبیه شده به بدن تأکید می‌کند و کارکردهای اجتماعی نهادها را در ارتباط با «مدیریت اخلاقی بدن» و باز تولید آن می‌داند. علی‌رغم اشتراک بدنی انسان‌ها، شرایط اجتماعی و نمادهای مبتنی بر بدن، که برای بیان تجربه‌های اجتماعی گوناگون به کار می‌روند، با هم متفاوت است. داگلاس بدن را نمادی از جامعه می‌داند. او ضمن بیان این که بدن مستعدترین تصویر قابل دسترس از نظام اجتماعی است، وجود شباهت‌های میان ایده‌های رایج درباره بدن و عقاید مرسوم درباره جامعه را مورد تصریح قرار می‌دهد. گروه‌های گوناگون در جامعه، رویکردهایی را درباره بدن می‌پذیرند که با پایگاه اجتماعی آنها هم خوانی دارد.

فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم، ۱۳۸۹) از این روی «هر انسانی در حالت نمادین از دو بدن برخوردار است؛ بدن فردی (جسمی و روانی) که با تولد او شکل می‌گیرد و بدن اجتماعی که در طول زندگی و رشد در یک اجتماع خاص و فرهنگ ویژه پا به منصفه ظهور می‌گذارد» (هلمن، ۲۰۰۷). بنابراین تصور از بدن، خارج از جامعه وجود ندارد و از آنجا که مبنای معرفت بشر نسل به نسل تغییر می‌کند؛ تصور از بدن نیز همسو با تغییرات اجتماعی در تطور است.

۷- حق بر سلامت در قوانین جمهوری اسلامی ایران

در قوانین جمهوری اسلامی ایران اشاره‌ای به عمل ختنه پسران و اساساً قانونی یا غیرقانونی بودن عمل ختنه نشده است و نمی‌توان آن را در قالب قوانین، بررسی کرد و خواهان اصلاح آن شد. اما ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی‌علیه کسی که جرم بر او واقع شده می‌تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی قصاص نماید. اما از آنجا که ختنه عملی شرعی و از فقه گرفته شده است بسیاری آن را برای پسران واجب و از شرایط اسلام و مسلمانی می‌دانند و برخی از فقها نیز آن را امری مستحب می‌دانند که انجام دادنش بهتر از انجام ندادنش است. بر این اساس و با توجه به اینکه قوانین جمهوری اسلامی، ریشه شرعی دارند و بر اساس همین قوانین، پدر و جد پدری به قدری بر جان و مال فرزندان تسلط دارند که حتی در صورت قتل فرزند، از مجازات مقرر در قوانین جزائی که برای قتل همانا قصاص است، معاف می‌شوند، چگونه می‌توان به بحث مسئولیت کیفری پدر در خصوص ختنه و آزار جسمی و روانی فرزندش پرداخت؟ پدران، شرعاً تکلیف دارند که رسم مسلمانی را به‌جا آورده و به موقع اقدام به ختنه پسران خود نمایند (پراکند، ۲۰۱۸).

با توجه به اینکه ایران به کنوانسیون‌هایی از قبیل میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است می‌توان چنین نتیجه گرفت که این کشور حق بر سلامت را به رسمیت شناخته است و علاوه این‌ها در قوانین و مقررات داخلی نیز موارد متعددی در خصوص سلامت و اقداماتی در جهت بهبود آن برای مردم وجود دارد.

۱۰- نتیجه‌گیری

ختنه به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین عمل‌های جراحی در جهان، سنتی است که در مصر باستان ریشه داشته و با ظهور ادیان ابراهیمی به دین نیز وارد شده است. پیروان یهود این عمل را به‌عنوان نشانه‌ای برای ورود فرد به دین یهود قلمداد می‌کردند و پیروان دین اسلام نیز با وجود اینکه در قرآن هیچ اشاره مستقیمی به ختنه نشده با استناد به روایات و احادیث، این سنت را از طریق الگوبرداری از دین یهود ادامه داده‌اند اما نکته قابل توجه و مهم این است که برخی پیروان دین یهود ختنه را الزامی نمی‌دانند و اغلب مراجع دین اسلام نیز ختنه را تکلیفی بر عهده فرد می‌دانند و نه والدین او، علاوه بر این مهم در استفتائات صورت گرفته نیز شاهد این امر بودیم که مراجع متعددی بر امکان به تعویق انداختن این عمل تا زمان بلوغ و به طور کل تا پایان عمر فرد نیز

تاکید کردند. اتکا به این قبیل مسائل بسیار مهم و آگاهی بخشی به والدین دین‌باور که الزامی به ختنه فرزند خود ندارند و می‌توانند این اختیار را برای فرزند خود قائل باشند که در بزرگسالی دست به انتخاب بزنند، می‌تواند گام مهمی در جهت رعایت حقوق انسانی و قوانین بین‌المللی با رعایت اصول دینی به شمار آید.

تحلیل مذهب و دین به کودکان، آن هم در سن و سالی است که قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب ندارند. والدین دین‌باور با ختنه فرزندان خود، او را در مسیری قرار می‌دهند که انتخاب خودش نبوده و این با به رسمیت شناختن حق آزادی و انتخاب دین برای کودک که در ماده ۱۴ به آن اشاره شده، مغایرت دارد. نکته مهم دیگر دستبرد به خصوصی‌ترین عضو بدن کودک است. اعضای جنسی بدن کودک، متعلق به او هستند و ختنه کودک بدون انتخاب و اختیار او برخلاف ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک است که کشورهای جهان از جمله ایران تعهد داده‌اند به آن پایبند باشد. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران نیز هرگونه اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی وارد شود، ممنوع اعلام شده است. اتکا به اسناد بین‌المللی مثل پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و استفاده از ظرفیت‌های موجود در قوانین داخلی مثل قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌تواند موانع سنتی و مذهبی پیش روی این عمل را از راه برداشته یا تعدیل کند. تاکیدات مذکور، دولتمردان و قانون‌گذاران را یاری می‌دهد که آگاهانه و واقف‌تر عمل کرده و حدود خشونت علیه کودکان و آسیب‌رسانی به آن‌ها را در ابعاد وسیع‌تری مورد توجه قرار دهند.

در مسائلی مثل ختنه از آن‌جا که به طور مستقیم با سلامت جسم و جان افراد ارتباط پیدا می‌کند دولتمردان و قانون‌گذاران، مهم‌ترین وظیفه را بر عهده دارند چرا که در سطوح کلان با وضع قوانین جامع و بازدارنده می‌توانند از آسیب‌هایی احتمالی عمل‌هایی مثل ختنه بکاهند. هرگونه تغییر و اصلاح در قوانین کشور با هدف کاهش این آسیب‌ها گامی روبه‌جلو است. به‌عنوان مثال اینکه ختنه بد قابل‌پیگیری و مطالبه حق و مجازات قانونی باشد نیز می‌تواند راهگشا باشد. به طور یقین در مسیر تغییر و اصلاح قانون نیز باید دیدگاه‌های مختلف، اعم از موافقان و مخالفان ختنه در نظر گرفته شده و با تجمیع آن‌ها قوانینی به تصویب برسد که هدف اصلی آن تضمین سلامت افراد باشد. باید توجه داشت که قانون اگرچه به تنهایی نمی‌تواند موثر واقع شود اما به خاطر ماهیت فرهنگ‌ساز بودنش می‌تواند در بلندمدت اثربخشی مطلوبی داشته باشد و جامعه را در مسیر انسانی‌تری قرار دهد. اگرچه در اسناد و قوانین ملی و بین‌المللی به مساله ختنه و ناقص‌سازی جنسی پسران به طور مستقیم اشاره‌ای نشده اما مبارزه با هرگونه خشونت علیه کودکان که سلامت جسم و روان آن‌ها را به خطر بیاندازد، همواره مورد تاکید قرار گرفته است. کنوانسیون جهانی حقوق کودک به‌عنوان بالاترین سند قانونی در حمایت از کودکان در ماده ۱۹ کشورهای عضو را متعهد کرده تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روانی انجام دهند. این پیمان‌نامه جهانی در بند یک ماده ۱۴ نیز از دولت‌ها خواسته «حق آزادی فکر، عقیده و مذهب را برای کودک محترم بشمارند.» در ماده ۱۶ این کنوانسیون نیز تاکید شده «در امور خصوصی هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه دخالت کرد.» نقطه مشترک همه این دیدگاه‌ها در آن بود که ختنه می‌تواند عوارض و آسیب‌هایی در پی داشته باشد و مصداق خشونت علیه کودکان است.

همانگونه که نتایج پژوهش حاکی است عمل ختنه در جوامعی در حال تداوم است که هم سنت‌ها از قدرت بی‌بدیلی برخوردار هستند و هم استیلائی دین در آن‌ها وجود دارد، بستری که دین و سنت در اختیار ذینفعان ختنه قرار داده؛ باعث شده آگاهی عمومی نسبت به آن گسترش نیافته و پیامدها و عوارض آن افشا نشود. در واقع جریان آزاد اطلاعات شکل نگرفته و جامعه با موجی از تبلیغات وسیع درباره نکات صرفاً مثبت ختنه مواجه است اما درباره نکات منفی آن کمتر اطلاع‌رسانی می‌شود. تغییر و اصلاح نگرش در چنین جامعه‌ای که صدای موافقان ختنه و ذینفعان آن به مراتب بلندتر از مخالفان است، بسیار سخت و بسی طولانی است. اما از آنجاکه نسل جوان، پتانسیل بازنگری و خوانش جدید موضوعات و نیز کنار زدن کلیشه‌های سنتی را داراست می‌توان امیدوار بود که روشنگری و آگاهی بخشی مثمر ثمر واقع شود. با استفاده از این پتانسیل می‌توان برای هدایت جامعه به سمت و سویی که آزادی و اختیار و انتخاب عمل را برای کودکان قائل باشد تلاش و روند تغییر را تسریع کرد. در این راه نقش و سهم کنشگران، سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی اهمیت بسیاری دارد. آن‌ها باید برای شکستن تابوهایی که مستقیماً حقوق کودکان را نشانه گرفته است تلاش کنند، مطالبه‌گری آن‌ها از نهادهای مسئول، دولتمردان و قانون‌گذاران می‌تواند به تصویب قوانین حمایت‌گرانه از کودکان و نیز چرخش آزاد اطلاعات در جامعه منتج شود.

۱۱- برنامه‌های عملیاتی برای مبارزه و کاهش آسیب‌های ناشی از ختنه مردان

۱- تجربه موفق مبارزه با ختنه زنان درباره ختنه پسران نیز می‌تواند الگوبرداری شده و سازمان‌های مدنی و مدافعان حقوق زنان و سایر فعالان اجتماعی می‌توانند در کنار مبارزه با ختنه زنان، درباره ختنه پسران نیز روشنگری کرده و آن را مورد تمرکز قرار دهند. نخستین گام هم می‌تواند روز ششم فوریه هر سال باشد که به‌عنوان روز جهانی مبارزه با ختنه زنان نام‌گرفته و فعالان مدنی و حقوق‌زنان می‌توانند این روز را به روز جهانی مبارزه با ختنه تغییر دهند و به‌طور موازی با هرگونه ناقص‌سازی درباره پسران و دختران مبارزه کنند یا کمپین‌ها و کارزارهایی در مبارزه با این عمل به راه اندازند.

۲- وزارت بهداشت به‌عنوان ارگان رسمی بهداشت و درمان در کشور همچون دیگر کشورها وظیفه دارد تا مادامی که موضع‌گیری رسمی از سوی نهادهای بین‌المللی و عالی‌ترین مقام قضایی کشور مبنی بر ممنوعیت و یا عدم ممنوعیت این عمل اتخاذ نشده است در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با ختنه دیدگاه‌های مختلف اعم از موافق و مخالف را لحاظ کند. وجاهتی که وزارت بهداشت به شکل رسمی به این عمل داده و مجوزهایی که برای تاسیس مراکز و کلینیک‌های ختنه صادر می‌کند نشان می‌دهد که چرخش آزاد اطلاعات وجود ندارد. سیاست‌گذاری وزارتخانه‌ای باید به سمت و سویی باشد که عموم مردم دسترسی کامل و جامع به اطلاعات صحیح و صادق پزشکی پیدا کنند و با علم به این اطلاعات جامع درباره ختنه فرزندان خود تصمیم بگیرند. کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند پیگیر این مطالبه از وزارت بهداشت باشد.

۳- بهزیستی به عنوان متولی اصلی حمایت از حقوق کودکان در کشور باید با رعایت استانداردهای جهانی سلامت که دربرگیرنده توأمان سلامت روح و جسم است، علاوه بر ارائه خدمات مشاوره‌ای و سلامت به والدین به این موضوع از جنبه‌های دفاع از حقوق کودکان ورود پیدا کند و مطابق با نظریات متخصصان و کارشناسان برای کاهش آسیب‌ها و عوارض ختنه راهکار ارائه دهد. انتشار اطلاعات به روز و جامع درباره ختنه و حقوق کودکان و تلاش برای روشننگری عمومی می‌تواند در ردیف وظایف این نهاد تعریف شود.

۴- انجمن‌های علمی و دانشگاهی وظیفه دارند این موضوع را مورد توجه قرار داده و آن را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار دهند، یافته‌های مطالعاتی آن‌ها از آنجاکه برگرفته از مستندات علمی و تحقیقی است می‌تواند به عنوان منشور اجرایی در اختیار قانون‌گذاران و دولتمردان قرار بگیرد. برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی و تدوین مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌هایی با موضوع ختنه از نظرگاه‌های پزشکی، روانشناسی، اجتماعی و حقوقی از جمله اقداماتی است که می‌تواند انجام گیرد و جامعه را برای مواجهه علمی با این موضوع به دور از هرگونه تعصب آماده کند.

۵- کنشگران اجتماعی و فعالان حقوق کودک باید به نقش تاثیرگذار خود در آگاهی بخشی و روشننگری عموم جامعه توجه ویژه داشته باشند و با علم به اینکه گاهی قوانین، حتی در صورت پیشگیرانه و بازدارنده بودن، عقب‌تر از جامعه هستند باید به میدان آمده و با بیرون آوردن این موضوع از پستو، راه را برای گفت‌وگو درباره آن باز کنند.

منابع

۱. احمدی، امیر و اسدی، بهنام ۱۳۹۴؛ آثار نقض قرارداد در حقوق ایران با نگاهی به سیستم حقوقی کامن لا و اسناد بین المللی، انتشارات قانون یار.
۲. امینی، منصور و برجیان، علی ۱۳۹۸؛ جبران خسارت قراردادی در حقوق مدنی (ایالت کبک)، تحقیقات حقوقی شماره ۶۸.
۳. ازدری، حسن و دیگران، جایگاه و روش‌های جبران خسارت معنوی در حقوق مصر، فصلنامه تحقیقات حقوقی و بین المللی، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم،
۴. ابن الاثیر، بی تا، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، الجزء الاول، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
۵. بهرامی، بهرام، حقوق تجارت کاربردی، چاپ اول، انتشارات نگاه بینه، تهران، ۱۳۸۲.
۶. بادینی، حسن و فروزان بروجنی، فرناز؛ نگرش تحلیلی به امکان فسخ قرارداد با وجود ممکن بودن اجرای عین تعهد در حقوق ایران و آلمان، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱۰، ۱، بهار (۱۳۹۷).
۷. بنایی اسکویی، مجید ۱۳۹۲، تعدیل قرارداد در صورت حدوث تعذر مالی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان.
۸. بهمنی، محمد ۱۳۹۹، مسئولیت قراردادی و جبران خسارت معنوی، انتشارات خرسندی.
۹. جعفری، فریدون و عباسی مقرب، محسن ۱۳۹۵؛ مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری تصدی بیش از یک شغل دولتی در حقوق ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان شماره پیاپی ۱۳.
۱۰. جوانمردی، ناهید، "ماهیت وفای به عهد و بررسی مصادیق آن در حقوق ایران"، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر 1395؛ ترمینولوژی حقوقی، انتشارات دادمان.

۱۲. حکمت نیا، محمود ۱۳۸۶، مسئولیت مدنی در فقه امامیه (مبانی و ساختار)، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۳. حاجی عزیزی، بیژن و غلامی، نگین ۱۳۹۲؛ بررسی تطبیقی فرض سببیت در مسئولیت قراردادی، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، شماره ۲۵، شماره پیاپی ۱۰۰.
۱۴. حاجی عزیزی، بیژن ۱۳۸۰؛ روش های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور، دانشگاه شاهد، دی، سال نهم.
۱۵. حاجی وند، امین و میرکمالی، سیدعلیرضا؛ مبانی فقهی، حقوقی و جرم شناختی رسیدگی افتراقی به جرایم سبز، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، شماره ۵۹.
۱۶. خزایی، سیدعلی ۱۳۹۵؛ مسئولیت پیش قراردادی؛ شرایط تحقق و زیان های قابل جبران، پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال مبانی فقهی حقوق اسلامی هفدهم.
17. خشنودی، رضا و دیگران 1396؛ مبانی نظری، اهداف و شیوه های جبران خسارت در حقوق رقابت، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره نود و نهم.
18. خادم سربخش و سلطانی نژاد، هدایت الله 1392؛ اصل قابلیت جبران کامل خسارات، فصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره دوازدهم.
۱۹. دهقانی دهج، ایمان ۱۴۰۱؛ انتخاب شیوه جبران خسارت معنوی: مطالعه تطبیقی، انتشارات پژوهشکده حقوقی شهردانش.
۲۰. رضایی نیا، مسعود؛ ۱۳۹۶، جبران خسارت معنوی در داوری تجاری بین المللی، پژوهشکده حقوقی شهردانش، چاپ اول، تهران.
۲۱. رنجبر، مسعودرضا ۱۳۸۸؛ تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران.
22. راستاد، مجتبی 1396؛ تعدیل ناشی از اجرای قرارداد در قراردادهای پیمانکاری، اولین کنفرانس پژوهش های نوین علمی در زمینه مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
23. راعب اصفهانی، حسین بن محمد 1416، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات دارالقلم، دمشق.
۲۴. زنبوری قانع، خسرو ۱۳۹۶؛ سیاست تقنینی قانون گذار در جبران خسارت معنوی، انتشارات شمیم مهر و اندیشه.
25. سلیمانی، حمید؛ سلطانی، عباسعلی و صفایی، مریم 1395؛ واکاوی قلمرو قاعده ((اکل مال به باطل))، دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال دهم، شماره سی و چهارم.
26. سعیدی، علی اصغر و حیدری، علی اصغر؛ ارزیابی کاربست قوانین معاملات اسلامی در نظام قراردادهای بازار سرمایه ایران، فصلنامه نظریه اجتماعی متفکران مسلمان، سال پنجم، شماره یک، بهار و تابستان 1394، ص 139.
27. طاهری میرقاید، یوسف و فرهادیان، عبدالرضا؛ بررسی چگونگی خسارت در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، 1396، ص 4.
28. علوی قزوینی، سیدعلی و وکیلی مقدم، محمد حسین 1389؛ بازنگری در مفاد قرارداد، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال اول.
29. عزیزی، علیرضا و مهدوی ثابت، محمدعلی 1397؛ مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری اخلال در فرآیند دادرسی کیفری، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال 10، شماره 18.
۳۰. عباس پور ایکدر، نازنین؛ مظلوم رهنی، علیرضا و عسکری، سامان ۱۴۰۱، جایگاه قلمرو نظریه تقصیر، انتشارات مرجع علم.
31. فیومی، احمد بن محمد بن علی، بی تا؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بی جا.
32. فراهتی، مرضیه و دیگران 1397، بررسی فقهی حقوقی طرق جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی در پرتو آموزه های اخلاقی، مجله اخلاق زیستی، دوره 8، شماره یک.
۳۳. کامیار (کارکن)، محمدرضا ۱۳۷۶، گزیده آرای دادگاه های حقوقی، چاپ اول، (تهران: نشر حقوقدان).
۳۴. لور راسا، میشل ۱۳۷۵، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران، نشر حقوق دان، چاپ اول.
35. محقق داماد، مصطفی 1384؛ قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ 14، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، ج 1.

36. مهدوی، محمود و دیگران 1396، مبنای جرم انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره 4، شماره 1، پیاپی 8.
37. میرسعیدی، سیدمنصور و زمانی، محمود 1392؛ جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟؛ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم.
38. نصیری، مرتضی و دیگران 1384، مطالعه تطبیقی حق تعلیق و حق حبس در حقوق داخلی و قرارداد نمونه فیدیک، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق.
39. وطنی، امیر و دیگران 1394؛ امکان جبران کامل خسارات در اصول قراردادهای تجاری بین المللی، کنوانسیون قراردادهای بیع بین المللی کالا و حقوق ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهاردهم، شماره دوازدهم.